



شاعران منطقه ۶ در محفل ادبی «شکوه خراسان» رهبر شهید را با شعر بدرقه کردند

واژه‌هایی به رنگ سوگ

نیوکو عقیده هفته گذشته هرکس به شیوه خودش برای بدرقه رهبر شهید قدمی برداشت. یکی در خانه اش راه روی زائران باز کرد تا خستگی راه را از تنشان بگیرد. یکی در مسیر عبور جمعیت موکب برپا کرد و با چای و شربت از عزاداران پذیرایی کرد. عده‌ای هم بی هیاهو، پشت صحنه مراسم، سهم خودشان را ادا کردند. هرکس به اندازه توانش، خودش را در این وداع بزرگ شریک دانست. در میان همه این همراهی‌ها، جمعی از شاعران منطقه ۶ مشهد هم تصمیم گرفتند سهمشان را با واژه‌ها ادا کنند: با شعرهایی که از داغ، دل‌تنگی و وداع می‌گفت. محفل ادبی «شکوه خراسان» که هر یکشنبه در کتابخانه نواب صفوی محله چهنو برگزار می‌شود، این بار تفاوت داشت: جلسه‌ای که به جای موضوعات همیشگی، به شعرخوانی در رثای رهبر شهید اختصاص پیدا کرد.

● جلسه‌ای متفاوت

هنوز عقربه‌های ساعت به ۴ بعد از ظهر نرسیده که شاعران یکی وارد کتابخانه می‌شوند. برخلاف هفته‌های پیش، بیشترشان زودتر از موعد آمده‌اند؛ انگار هیچ‌کس دلش نمی‌خواهد حتی چند دقیقه از این جلسه را از دست بدهد. سالن آرام است. گوشه‌ای از فضا، قاب عکس رهبر شهید، نگاه هراتاره‌واردی راه خودش جلب می‌کند. همان قاب، پیش از آنکه شعری خوانده شود، موضوع جلسه را روایت می‌کند. حدود ۲۵ نفر در این محفل حضور دارند؛ بیشترشان شاعران پیشکسوت و سالخورده‌اند.

اماتعداد شرکت‌کنندگان از همیشه بیشتر است. موضوع جلسه، دلیل این استقبال متفاوت است: موضوعی که این بار همه را بی قرار کرده تا کنار هم بنشینند و اندوه مشترکشان را با شعر و کلمات قسمت کنند.

● اشکی که میان بیت‌ها جاری می‌شود

اولین شاعر شروع به خوانش می‌کند. هنوز چند مصرع بیشتر نخوانده که نگاه‌ها رنگ دیگری می‌گیرد: نشستۀ در عزای او اهل دل/گریه کند برای او اهل دل/بلبل و قمری به نوا آمده/این گل پری را کجا آمده/از سفر کرب و بلا آمده...

با خواندن این ابیات، سکوت سنگین ترمی شود. بعضی نگاهشان را به زمین می‌دوزند و اشک از گوشه چشم بعضی دیگر سرازیر می‌شود. شعرهایی پس از دیگری خوانده می‌شود؛ هر کدام با زبانی متفاوت اما با یک مضمون مشترک: داغ فقدان، عظمت شهادت و بدرقه



مردی که نامش در تمام شعرهای آن‌ها تکرار می‌شود. علی اصغر شکفته شعرش را این گونه آغاز می‌کند: چه گفتی که شهادت نامه ات بی وقفه امضا شد/به استقبال چشمانت در هفت آسمان و اشد...

صدایش آرام اما محکم است. هر بیت، فضای جلسه را بیشتر در حال و هوای وداع فرو می‌برد.

● جمعی صمیمی و همدل

در پایان جلسه، علی اصغر شکفته، شاعر و ساکن محله کارمندان اول، می‌گوید: شاعر باید در کنار مردم بایستد، با اتفاقات جامعه نفس بکشد و در روزهای تلخ و شیرین، زبان احساس جمعی باشد. اختصاص دادن این جلسه به رهبر شهید، نشان داد که شاعر نمی‌تواند به رخداد های مهم پیرامونش بی تفاوت بماند و گاهی چند بیت شعر، صادقانه‌ترین شکل ادای احترام است.

غلامرضا غلامپور دهرسخی، شاعر و بنیان‌گذار این نشست، می‌گوید این محفل یکی از معدود جلسات شعر فعال در منطقه ۶ است و شاعرانی از نقاط مختلف مشهد برای حضور در آن، راهی کتابخانه نواب صفوی می‌شوند. هدف این نشست تنها شعرخوانی نیست. برگزار کنندگان تلاش می‌کنند موضوع هر جلسه متناسب با مناسبت‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی انتخاب شود تا شعر، با زبانی از دغدغه‌های روز جامعه باشد. به همین دلیل، در این جلسه همه شعرها به رهبر شهید اختصاص یافت و شاعران، سهم خودشان را از بدرقه ایشان، با شعر ادا کردند.

اهالی محله ثامن هرروز با عشق به امام حسین (ع) در بوستان محله، جمع می‌شوند

عزاداری‌های «پونه»



عیدگاه

می‌کنند و جمعیت روز به روز بیشتر می‌شود.

این مکان قبلاً محل رفت و آمد معتادان

متجاهر بود و خدا را شکر از زمان برگزاری روضه‌ها

دیگر شاهد حضور این افراد نیستیم و امنیت بیشتر شده

است و مردم با خیال راحت همراه فرزندان نشان به تفریح می‌آیند.

البته عارفی، مشکلاتی را هم بر می‌شمرد می‌گوید: مالیات‌های مشکلاتی

هم داریم؛ این بوستان سرویس بهداشتی، آب، فرش و کنتور برق

ندارد و گاهی کمبود امکانات برای مادر سرهایی به وجود می‌آورد

که اگر این امکانات در اختیارمان گذاشته شود، جمعیت بیشتری

در اینجا جمع خواهد شد.

● مشارکت عزاداران

فاطمه خادمی چهل و هشت ساله و خانه‌دار است. دانه‌های تسبیح

در دستش را یکی پشت دیگری می‌گرداند و صلوات می‌فرستد. او

درباره روضه در بوستان می‌گوید: به عشق امام حسین (ع) می‌آیم و

مسئولیت آوردن قند و چای برای عزاداران با من است. آوردن فرش

و آب جوش نیز به عهده دیگر خانم‌هاست.

سکینه احمدی روی یکی از نیمکت‌های بوستان نشسته و وا کرش را

مقابل خودش گذاشته است. به جمعیت نگاه می‌کند و ذکر می‌فرستد

و درباره آشنایی با این محل این گونه می‌گوید: من از زمان کرونا در

روضه‌های این بوستان شرکت می‌کنم. برای خشنودی امام زمان (عج)

مرضیه میرزاپور صدای روضه خوانی از دور تو جهم را جلب می‌کند. به سمت صدا می‌روم. جمعیت زنان و مردان را می‌بینم که در بوستان پونه روبه روی خیابان شهید کمالی ۶ نشسته‌اند و در عزای امام حسین (ع) شرکت کرده‌اند.

وسط بوستان محوطه دایره‌مانندی وجود دارد که فرش پهن کرده‌اند و مردم را به سوی آن دعوت می‌کند. قسمت زنانه از قسمت مردانه جدا شده است. این مراسم عزاداری هرروز عصر به طور کامل خودجوش و مردمی در محله ثامن برگزار می‌شود. مردم از اطراف می‌آیند و حتی گاهی نذورات خود را اینجا ادا می‌کنند.

● استقبال از محفل عزاداری در بوستان

محمد علی عارفی نزدیک به شصت سال سن دارد و در مکتب و حوزه درس خوانده و حالا روضه خوان مجالس بوستان پونه است. او قصه برگزاری روضه‌ها را این طور تعریف می‌کند: در زمان کرونا از طرف یکی از دفترهای تسهیلگری گلشهر به من پیشنهاد شد که اگر مکان روبازی سراغ دارم، به منبر بروم؛ من بوستان پونه را مناسب دیدم و انتخاب کردم. از همان سال در ماه‌های محرم و صفر این فعالیت را شروع کرده‌ایم و تا الان ادامه یافته است.

او ادامه می‌دهد: در این سال‌ها شاهد همبستگی مردم هستیم، به طوری که اقوام گوناگون دور هم جمع می‌شوند و کنار هم عزاداری

باتمام سختی از شلوغ بازار به اینجا می‌آیم و فرش و استکان می‌آورم تا بتوانم در حفظ این روضه‌ها کمک کنم. یادوست‌هایم دور هم جمع می‌شویم تا سفره صلوات پهن کنیم و چون در هوای آزاد برپا می‌شود، اینجا را از روضه‌های خانگی بیشتر دوست دارم.

صدیقہ نصراللهی نیز یکی از همسایه‌های نزدیک به بوستان پونه است که درباره این مراسم نظر خود را چنین بیان می‌کند: این روضه‌ها خالصانه‌تر است؛ زیرا افراد دل‌شکسته زیادی به اینجا می‌آیند که یکدیگر را نمی‌شناسند اما برای هم دعا می‌کنند. من شاهد حاجت گرفتن خیلی از شرکت‌کننده‌ها در این مجلس‌ها بوده‌ام؛ از جمله پسر خودم که به کرونا مبتلا شده بود و حال مساعدی نداشت. آن موقع به سفره صلوات اینجا متوسل شدم و شکر خدا حال پسرم خوب شد.

اسدا... عیسی زاده یکی از پیرمردهایی است که با خود صندلی کوچکی آورده است تا در گوشه‌ای بنشیند و مزاحم خانم‌ها نشود. او درباره روضه‌ها چنین می‌گوید: معتقدم که امام حسین (ع) خودش ما را به ایجاد دعوت می‌کند و دعا می‌کنم که روضه‌ها ادامه داشته باشد.